

روسیه و شورای امنیت در پرونده هسته‌ای ایران

یوسف مولایی^۱

هادی زرگری^۲

پرونده هسته‌ای ایران موضوعی مهم برای همه قدرت‌های بزرگ در یک دهه اخیر بوده است، اما رویکرد و مواضع روسیه به‌ویژه در رسیدگی به این موضوع در شورای امنیت به دلیل سابقه همکاری فنی هسته‌ای با ایران در مقایسه با دیگر بازیگران از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است. این موضوع که روسیه چه رویکرد، مواضع و اهدافی در روند رسیدگی به پرونده هسته‌ای ایران در شورای امنیت به‌خصوص در موضوع تصویب قطعنامه‌ها علیه ایران تعقیب کرده است، اهمیت و تاثیر قابل توجهی در سرنوشت موضوع داشته است.

لذا این نوشتار با در نظر داشتن این مفروض که منافع ملی اصل راهنمای شکل‌گیری مواضع و رفتارهای روسیه بوده است در پی پاسخ به این پرسش است که چه علل و عوامل در شکل‌دهی به مواضع روسیه در روند تصویب قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران، تاثیرگذار بوده‌اند؟ در پاسخ به پرسش مقاله این فرضیه مطرح است که روسیه با تکیه بر برداشت‌های این کشور از برنامه هسته‌ای ایران و نوع تعامل و رقابت آن با آمریکا و ایران با رویکرد دوگانه کنترلی و تعدیلی در پی اعمال فشار برای کنترل پیشرفت‌های هسته‌ای ایران و همچنین تعدیل فشارهای غرب علیه آن به‌منظور ممانعت از اقدام نظامی آمریکا بوده است. به منظور بررسی و ارزیابی ابعاد مختلف فرضیه فوق در این نوشتار از روش‌های کیفی مانند جمع‌آوری داده‌ها و همچنین مصاحبه در کنار بررسی اسناد و قطعنامه‌های شورای امنیت استفاده خواهد شد.

واژگان کلیدی: پرونده هسته‌ای ایران، روسیه، شورای امنیت، جمهوری اسلامی ایران و نقش‌های سیاست خارجی.

Email: yousef.molaei@gmail.com

^۱ نویسنده مسئول، استادیار دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: zargari_hadi@ut.ac.ir

^۲ دانشجوی دکتری رشته روابط بین‌الملل دانشگاه تهران، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۵/۴/۲۱ و تاریخ پذیرش: ۹۵/۵/۱۴

مقدمه

چگونگی و نوع رویکرد و مواضع روسیه در قبال موضوعات مرتبط با ایران با توجه به جایگاه این کشور به عنوان یک قدرت بزرگ جهانی و همچنین روابط خاص دوجانبه نه تنها دارای اهمیت زیادی برای ایران می باشد، بلکه دارای تاثیراتی نیز در سرنوشت هر یک از موضوعات مرتبط با ایران خواهد بود. بر خلاف راهبرد روشن سیاست خارجی روسیه در قبال برخی مناطق یا کشورها، رویکرد سیاست خارجی این کشور در مورد ایران دارای لایه های مختلف و بعضاً متعارضی بوده و از عوامل گوناگونی تاثیر پذیرفته است. هر چند طبق موارد ۸۰، ۸۴ و ۸۶ قانون اساسی روسیه، رئیس جمهور این کشور رهنمودهای اصلی سیاست خارجی آن را تعریف می کند و دیگر دستگاه ها مسئول اجرای آن هستند، اما در عمل نهادهای متعددی مانند وزارت امور خارجه، وزارت خانه های اقتصادی و انرژی، شرکت هایی نظیر روس اتم^۱، گازپروم^۲ و صنایع تسلیحاتی^۳ در سیاستگذاری در مواجهه با ایران تاثیرگذار بوده اند. علاوه بر این پیچیدگی ها، اسناد و بیانیه های مشخصی نیز از سوی دفتر ریاست جمهوری روسیه در رابطه با رویکرد کرملین به ایران منتشر نشده است. هر چند در برخی اسناد در سال های اخیر به جایگاه ایران اشاره گردیده است. اسنادی مانند «مفهوم سیاست خارجی فدراسیون روسیه»^۴ در ژوئیه ۲۰۱۳ و ۲۰۱۶، ضمیمه نخست مفهوم سیاست خارجی روسیه با عنوان «رویکردهای اصلی فدراسیون روسیه در زمینه همکاری های فرهنگی و بشردوستانه بین المللی»^۵ در دسامبر ۲۰۱۰، «راهبرد انرژی روسیه تا سال ۲۰۳۰»^۶ در نوامبر ۲۰۰۹ و «مفهوم همکاری علمی و فناوری بین المللی فدراسیون روسیه»^۷ در ژانویه ۲۰۰۰ به جایگاه ایران در ارتباط با موضوعات این اسناد اشاره داشته اند؛ اما همچنان فاقد تصویر جامع و روشنی از جایگاه ایران بوده اند که در مقایسه با رویکرد مسکو در مورد خارج نزدیک، اروپا و

^۱ . ROSATOM

^۲ . Gazprom

^۳ . Arm Industry

^۴ . Foreign Policy Concept of Russian federation

^۵ . The Main Direction of Russian Federation Policy in Field of International Cultural and Humanitarian Cooperation

^۶ . The Energy Strategy of Russia until 2030

^۷ . The Russian Federation Concept of International Scientific and Technologic Cooperation

امریکا به‌عنوان اولویت‌های نخست سیاست خارجی این کشور این ابهام بیشتر قابل درک است (The Ministry of Foreign Affairs of Russian Federation, 2016).

چنین ابهاماتی زمینه ارائه دیدگاه‌های متفاوت در مورد سیاست خارجی روسیه در قبال ایران فراهم کرده است؛ اما این ابهامات و پیچیدگی‌ها در مورد رویکرد سیاست خارجی روسیه به پرونده هسته‌ای ایران بیشتر است؛ زیرا علاوه بر همکاری‌های فنی هسته‌ای میان دو کشور، رفتارها و مواضع چندلایه و مبهمی از سوی مسکو در مواجهه با پرونده هسته‌ای ایران اتخاذ شده است. از جمله این موارد می‌توان به مواضع روسیه در شورای امنیت در رسیدگی به پرونده هسته‌ای ایران اشاره داشت که باعث ارائه تحلیل‌های مختلفی از رویکرد کلی مسکو در این موضوع شده است. این پرسش که چرا با وجود همکاری‌های فنی روسیه با ایران در حوزه هسته‌ای این کشور نه تنها مانع صدور قطعنامه‌های متعدد علیه ایران در شورای امنیت نشد، بلکه به‌طور کامل با اعمال و اجرای آنها نیز همکاری داشت، همواره یکی از موضوعات مورد توجه در تحلیل و تبیین سیاست خارجی روسیه در قبال ایران و به‌طور خاص در قبال برنامه هسته‌ای ایران بوده است و تاثیر مهمی نیز در ایجاد فضای بی‌اعتمادی در ایران در روابط با روسیه داشته است.

در بررسی و ارزیابی علل و عوامل چنین موضعی از سوی روسیه در شورای امنیت، دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است که به‌طور عمده بر یکی از عوامل مانند تاثیرگذاری عنصر غرب در سیاست خارجی روسیه و یا استفاده از موضوع ایران به‌عنوان «یک کارت بازی» در تعاملات روسیه با غرب تاکید شده است. در حالی که به‌نظر می‌رسد، تحلیل موضوع با تکیه بر تنها یک عامل، جامع و کامل نیست. لذا با توجه به ارائه تحلیل‌های تقلیل‌گرایانه در بررسی این موضوع این نوشتار با در نظر داشتن این مفروض که روسیه نیز مانند سایر بازیگران تنها منافع ملی خود را محور تعیین‌کننده در شکل‌دهی به سیاست‌ها می‌داند به نوع برداشت روسیه از برنامه هسته‌ای ایران و تاثیر سرنوشت آن بر منافع ملی و نقش‌های سیاست خارجی روسیه در قالب کلی رویکرد سیاست خارجی این کشور در تحلیل موضوع توجه دارد. البته منظور از نقش سیاست خارجی جایگاهی است که هر کشور برای خود در نظام بین‌المللی و در تعامل با دیگر بازیگران برای خود تعریف می‌کند؛ نقش سیاست خارجی هر کشور از ابعاد مختلف هویت آن نشأت می‌گیرد. در این راستا با ارائه این پرسش که علل و عوامل تاثیرگذار در شکل‌دهی به مواضع روسیه در روند تصویب قطعنامه‌های

شورای امنیت علیه ایران چه هستند؟ در پی فهم و تبیین علل همراهی روسیه با تصمیمات شورای امنیت در صدور و اجرای قطعنامه‌ها علیه ایران است. در پاسخ به پرسش مقاله این فرضیه مطرح است که روسیه با تکیه بر برداشت‌های این کشور از برنامه هسته‌ای ایران و نوع تعامل و رقابت آن با امریکا و ایران با رویکرد دوگانه کنترلی و تعدیلی در پی اعمال فشار برای کنترل پیشرفت‌های هسته‌ای ایران و همچنین تعدیل فشارهای غرب علیه آن به منظور ممانعت از اقدام نظامی امریکا بوده است. به منظور بررسی و ارزیابی ابعاد مختلف فرضیه فوق در این نوشتار از روش‌های کیفی مانند جمع‌آوری داده‌ها و همچنین مصاحبه در کنار بررسی اسناد و قطعنامه‌های شورای امنیت استفاده شده است. شایان ذکر است در این نوشتار به منظور ارزیابی بهتر موضوع و درک علل و زمینه‌های شکل‌گیری مواضع و تحرکات روسیه در شورای امنیت، با توجه به تاثیرگذاری همزمان عوامل مادی و غیرمادی، از رویکرد نظری سازه‌انگاری استفاده خواهد شد.

سازه‌انگاری؛ چرخه تکوینی هویت و نقش سیاست خارجی در تعریف منافع ملی

سازه‌انگاری یکی از نظریات مطرح روابط بین‌الملل است که ابعاد نوینی در تحلیل سیاست خارجی دولت‌ها ارائه کرده است. سه مشخصه اصلی نظریه سازه‌انگاری که منجر به ایجاد رویکردی میانی بین رهیافت‌های نظری تبیین‌گرا و انعکاسی در تحلیل موضوعات سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی شده عبارت هستند از؛ تاکید بر اهمیت ساختارهای هنجاری و معنایی در کنار عوامل مادی، توجه به نقش هویت در شکل دادن به کنش سیاسی و در نهایت توجه به رابطه متقابل ساختار و کارگزار (برچیل و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۷۳). سازه‌انگاران به منظور اجتناب از تقلیل‌گرایی در تحلیل و فهم مسائل بر این مشخصه‌ها تاکید دارند و به خصوص با در نظر گرفتن عنصر هویتی توانسته‌اند، مسائلی نظیر علل تغییر در سیاست خارجی کشورها طی زمان را به خوبی تبیین و تحلیل کنند. سازه‌انگاری در تحلیل سیاست خارجی علاوه بر در نظر داشتن عوامل مادی، بیشتر بر تاثیر هویت در شکل‌دهی به سیاست خارجی و نقش تعیین‌کننده آن در ترسیم منافع ملی متمرکز است؛ چرا که با توجه به آن می‌توان شکل گرفتن و یا تغییرات در سیاست خارجی یک دولت در قبال دیگران و یا در قبال دولت دیگر طی زمان را به خوبی درک کرد.

اصل نخست نظریه پردازان سازه‌انگار در تحلیل سیاست خارجی تاکید بر عدم یکپارچگی دولت به عنوان یک بازیگر است. این رویکرد نظری برای تحلیل سیاست خارجی معتقد است دولت‌ها همواره هویت منسجم و ثابتی ندارند و هویت آنها تحت تاثیر مولفه‌های متعدد داخلی و خارجی نظیر ساخت اجتماعی داخل، ماهیت گروه‌های داخلی، ارتباط جامعه و دولت و بازیگران خارجی در کنار ماهیت نوع نظام بین‌المللی متحول می‌شود (Borozna, 2008:7). با توجه به این تاکید بر سیالیت هویت بازیگران دولتی، می‌توان گفت با تغییر عناصر هویتی دولت‌ها، ممکن است شاهد تغییراتی در سیاست خارجی آنها نیز باشیم؛ چرا که هویت دولت‌ها را الهام‌بخش چگونگی تعیین منافع ملی و در نهایت رفتار سیاست خارجی آنها می‌دانند.

بر این اساس، استدلال سازه‌انگاران این است که چون هویت دولت‌ها الهام‌بخش منافع و متعاقب آن رفتار آنها است، پس فهم چگونگی شکل‌گیری هویت این بازیگران و درک ابعاد مختلف هویت غالب در دستگاه سیاسی یک کشور ضروری است. در این رابطه، هر چند عواملی مانند تاریخ یک کشور، جغرافیا، قومیت، مذهب و نوع نظام سیاسی را عناصر اصلی شکل‌دهنده به هویت دولت‌ها معرفی می‌کنند، اما عوامل دیگری نظیر متغیرهای فردی حاکمان و گفتمان‌های سیاسی حاکم در جامعه و گروه‌های سیاسی نیز در شکل‌گیری نوع هویت تاثیرگذارند. همانطور که الکساندر ونت^۱ معتقد است، «هویت‌ها بنیان منافع هستند»؛ پس برای تحلیل منافع یک کشور در راستای ارائه شناختی کلی از سیاست خارجی آن، توجه به نوع گفتمان هویتی غالب در نتیجه فرآیند و عوامل فوق امری حیاتی است؛ زیرا با توجه به عوامل تاثیرگذار در شکل‌گیری یک هویت غالب و آگاهی از ابعاد آن، می‌توان منافع آن دولت و اولویت‌های سیاست خارجی آن را درک کرد. علاوه بر این، تغییرات احتمالی در سیاست خارجی آن دولت و یا رفتارهای متناقض آن نیز قابل فهم خواهد بود؛ زیرا این تغییرات یا تناقضات رفتاری با توجه به تغییرات هویتی و یا برداشت‌های متفاوت و جدید از نیت یا رفتار طرف مقابل قابل توضیح خواهند بود (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۳۵۲-۳۵۳).

با وجود شناسایی انواع مختلفی از هویت در نظر سازه‌انگاران از جمله هویت‌های نوعی، حقوقی، جمعی و نقشی آنچه در این نوشتار بیشتر مورد توجه قرار دارد، هویت نقشی بازیگران و تاثیر برداشت‌های یک بازیگر از اهداف و رفتارهای طرف مقابل با توجه به

^۱. Alexander Wendt

اولویت‌های نقشی است؛ هر دولت دارای یک هویت نقشی است که نه تنها ذاتی نبوده، بلکه در تعامل با بازیگران دیگر در سطح داخلی و بیرونی مطرح می‌شود. بدین شکل که تحت تاثیر نوع هویت یا گفتمان هویتی غالب، هر کشور نقش یا نقش‌هایی برای سیاست خارجی خود ترسیم می‌کند که ملهم از برداشتها و مولفه‌های هویتی به وضعیتی اشاره دارد که در آن قرار دارد یا در پی کسب آن وضعیت و نقش است. در این رابطه ونت نیز معتقد است، هر دولت در ساختار اجتماعی و در تعامل با دیگر بازیگران دارای یک نقش یا هویت نقشی است و با تکیه بر این هویت نقشی است که می‌توان رابطه میان هویت ملی و منافع ملی (و متعاقب آن رفتار سیاست خارجی) را تحلیل کرد. به طوری که نوع گفتمان هویتی غالب، نقش‌هایی برای سیاست خارجی یک بازیگر تعریف می‌کند و این نقش‌ها منافع، اولویت‌ها و در نهایت رفتار بازیگران را در قبال دیگران تعیین می‌کند (شجاع و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۹-۲۷).

سیاست خارجی روسیه در قبال ایران و اولویت‌های آن

سیاست خارجی روسیه در قبال ایران همانند چارچوب و محورهای کلی سیاست خارجی این کشور تحت تاثیر تغییرات در گفتمان‌های هویتی غالب در روسیه و برداشتهای نخبگان این کشور از ایران قرار داشته است. در واقع، هر چند به دلایلی نظیر نزدیکی جغرافیایی یا موضوعات سیاسی، عنصر ژئوپلیتیک همواره عامل مهمی در شکل‌دهی به روابط روسیه و ایران بوده است، اما با توجه به روند تعاملات دو کشور طی چند دهه اخیر مشاهده می‌کنیم که غالب شدن هریک از رویکردهای هویتی در روسیه با پیامدهایی در روابط این کشور با ایران همراه شده است. در حالی که در دوران گفتمان آتلانتیک‌گرایی ایران جایگاه مهمی در سیاست خارجی روسیه نداشت در دوره اوراسیاگرایان نوع نگاه به ایران تغییر کرد و با افزایش اهمیت ایران در سیاست خارجی این کشور، شاهد گسترش روابط روسیه با ایران بوده‌ایم (کولایی، ۱۳۸۵: ۷۳-۷۵).

محورهای اصلی شکل‌دهنده به سیاست خارجی روسیه در قبال ایران علاوه بر تاثیرگذاری مولفه‌های هویتی به مسائلی نظیر عامل جغرافیا، برتری مسائل سیاسی و امنیتی نسبت به مسائل اقتصادی (به استثنا چند سال نخست پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی که تحت تاثیر گفتمان غرب‌گرایی مسائل اقتصادی برای روسیه مهم‌تر بودند) و در نهایت دخالت و تاثیرگذاری بازیگر ثالث برمی‌گردد (جعفری و میرجلالی، ۱۳۸۹: ۱۳-۱۷). نزدیکی

جغرافیایی روسیه و ایران در مسائلی مانند تحولات آسیای مرکزی و قفقاز یا خطر نفوذ افراط‌گرایی از خاورمیانه به روسیه، دغدغه‌های امنیتی دو کشور را به هم پیوند داده و این عامل عنصر مهمی در کیفیت روابط دو طرف به خصوص تغییر نگاه روسیه به ایران بوده است. نمود اهمیت ابعاد سیاسی و امنیتی زیاد ایران برای روسیه در مسائلی نظیر مقابله با نفوذ غرب در منطقه در کلام رهبران رهبران روسیه با وجود حجم کم روابط تجاری دو طرف قابل مشاهده است. اما محور دیگر در شکل‌دهی به سیاست‌های روسیه در مورد ایران دخالت و تاثیرگذاری کشور ثالث یا قدرت‌های بزرگ دیگر است. این امر هم به دو شکل مستقیم و غیرمستقیم و به واسطه تغییرات در برداشت‌های هویتی در روسیه در جریان تعامل با غرب خود را نشان داده است. به‌گونه‌ای که در شرایطی که روسیه روابط مناسبی با غرب داشته از اهمیت جایگاه ایران در سیاست خارجی این کشور کاسته شده است. اما در شرایطی نیز روسیه ناچار به کاستن از روابط خود با ایران در پی فشار غرب شده است (Белоглазов, 2016).

با وجود روابط اندک روسیه با ایران در دهه ۹۰ میلادی متاثر از سلطه غرب‌گرایان با به قدرت رسیدن پریماکوف^۱، پوتین و تقویت مواضع اوراسیاگرایان، روابط روسیه و ایران افزایش یافت. در این دوره ضمن همکاری طرفین در موضوعاتی مانند مقابله با نفوذ غرب در منطقه، روسیه به افزایش همکاری در حوزه هسته‌ای با ایران متمایل شد و در مقابل اتهامات امریکا در این رابطه اعلام کرد، فعالیت‌های ایران و همکاری با آن در چارچوب پیمان منع گسترش تسلیحات هسته‌ای^۲ قرار دارد. اما وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و تشدید نگرانی در مورد خطر افراط‌گرایی در میان روس‌ها با پیامدهایی مانند همکاری روسیه با امریکا در موضوعاتی نظیر مبارزه با تروریسم و در نهایت نزدیکی نسبی این دو قدرت همراه شد. این موضوع تاثیرات منفی بر روابط روسیه با ایران و روند همکاری‌های دو طرف گذاشت (Katz, 2002: 71-76).

در یک دهه اخیر سیاست خارجی روسیه در قبال ایران را می‌توان تلاشی برای ایجاد تعادل میان دو وضعیت همکاری با ایران و تامین نیازهای تسلیحاتی و استراتژیک آن و همچنین همکاری با غرب در کنترل قدرت ایران و فشار بر آن توصیف کرد. در واقع، روسیه با اتخاذ رویکرد دوگانه کنترلی و تعدیلی تلاش داشته است، ضمن کنترل هرگونه افزایش قدرت ایران، فشارهای غرب علیه تهران را نیز در جهت منافع خود تعدیل نماید. در واقع در

^۱. Primakov

^۲. NPT

شرایطی که سیاست خارجی روسیه در مورد ایران تحت تاثیر نوع برداشت نخبگان روس از ایران و غرب قرار داشته است، اما تحت تاثیر عوامل مختلفی از جمله برداشت و درک پوتین از جایگاه و نقش روسیه و تاثیرگذاری رابطه با ایران در حفظ یا کسب نقش‌های مطلوب سیاست خارجی روسیه مانند قدرت بزرگ جهانی، ابرقدرت منطقه‌ای و ابرقدرت هسته‌ای، روس‌ها در پی ایجاد توازن میان دو وضعیت فوق برآمده‌اند. به طوری که از یک طرف ضمن همکاری با ایران با درخواست‌های آن برای تسلیحات پیشرفته و فناوری نظامی مخالفت کرده و مانند مورد اس-۳۰۰ اگر تعهدی نیز در این رابطه به ایران داشت، آن را به شکل مطلوب اجرایی نکرده‌اند؛ از طرف دیگر و بر خلاف فشارهای غرب خواستار حفظ تعاملات با ایران در حوزه‌های مختلف از جمله تداوم همکاری هسته‌ای بوده‌اند. همچنین در حالی که با نگرانی از تبدیل شدن ایران به یک رقیب منطقه‌ای یا هسته‌ای مخالف افزایش قدرت آن به خصوص در حوزه هسته‌ای بوده‌اند، حمله نظامی غرب علیه ایران را نیز به دلایل نتایج آن مخالف منافع خود تصور کرده و سعی بر تعدیل فشارهای غرب داشته‌اند. البته این نکته نیز شایان ذکر است که روسیه در زمان بحران‌های بین‌المللی به خوبی از همکاری و رایزنی با ایران نیز بهره‌برداری کرده است (Trenin and Malashenko, 2010: 21-22).

در اینجا باید این نکته را در نظر داشت که محدود نگاه‌داشتن همکاری‌ها با ایران از سوی روسیه متأثر از برداشت نخبگان آن از ایران به عنوان رقیبی برای ایفای نقش‌های خود نیز قرار داشته است. در واقع، روابط روسیه با ایران بر خلاف تصور اولیه از وجود روابط نزدیک دو طرف از پیچیدگی‌هایی برخوردار است؛ زیرا روس‌ها در عین همکاری با ایران نگران ظهور آن به عنوان قدرت منطقه‌ای رقیب خود هستند و نسبت به افزایش قدرت ایران محتاطانه عمل می‌کنند. این امر به خوبی در دیدگاه دیمیتری ترنین^۱ محقق روس نمایان است. وی معتقد است، «دیدگاه مسکو این است که یک ایران پرقدرت می‌تواند، روسیه را با تهدیدهایی مواجه کند؛ ایران به عنوان دومین دارنده ذخایر گاز بعد از روسیه یک رقیب بالقوه برای بازار انرژی روسیه است و یک ایران هسته‌ای نیز می‌تواند سلطه روس‌ها بر آسیای مرکزی و قفقاز را دچار مشکلاتی کند... با وجود این نگرانی‌ها در میان نخبگان سیاسی روسیه در مورد افزایش قدرت ایران، روسیه تمایلی به تضعیف ایران نیز ندارد؛ زیرا یک ایران ضعیف با پیامدهای امنیتی برای روسیه مانند بی‌ثباتی در

^۱. Dmitri Trenin

منطقه همراه خواهد بود. به همین دلیل است که روسیه همواره مخالف هرگونه حمله یا عملیات نظامی علیه ایران است» (Trenin and Malashenko, 2010: 7-8).

طی دو سال اخیر و با تشدید بحران در اکرین و به‌خصوص سوریه، رویکرد مسکو به تهران پیچیده‌تر شده است؛ زیرا در شرایطی که روسیه تحت تحریم غرب قرار دارد و نگران از دست رفتن حوزه نفوذ سنتی خود در سوریه است، اشتراک منافع مسکو با تهران منجر به نزدیکی بیشتر دو طرف شده است. زیرا مسکو ضمن تلاش برای نقش‌آفرینی در بحران‌های مختلف به‌عنوان قدرتی جهانی، تلاش دارد با همکاری با بازیگرانی مانند ایران به پیشبرد منافع و نقش‌های خود بپردازد. لذا با توجه به چنین شرایطی و در نظر داشتن مشکلات اقتصادی روسیه در دوران تحریم، شاهد افزایش تعاملات روسیه با ایران در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و منطقه‌ای بوده‌ایم (Белоглазов, 2016). اما اوج این همکاری‌ها به استفاده جنگنده‌های روسی از پایگاه هوایی شهید نوژه همدان به منظور اجرای عملیات ضد تروریستی در سوریه نمود یافت که از سوی برخی ائتلاف راهبردی توصیف شد؛ امری که با توجه به موقتی بودن این همکاری و همچنین نقش‌ها و اصول سیاست خارجی روسیه غیرقابل انتظار خواهد بود و انتظار می‌رود در سطح «همکاری جدی» در موضوع خاص سوریه بیشتر نخواهد شد.

همانطور که مولفه‌های فوق نشان می‌دهد، تحلیل رفتارهای روسیه در قبال ایران بر مبنای انگیزه‌های اقتصادی یا ژئواستراتژیک ناکافی است؛ چون به تاثیر عوامل غیرمادی به خصوص برداشت‌های نخبگان روسی از ایران توجه ندارد؛ چرا که رفتارهای سیاست خارجی روسیه تحت تاثیر نقش‌های ترسیم شده برای سیاست خارجی این کشور از جمله نقش‌های قدرت بزرگ جهانی، ابرقدرت منطقه‌ای و ابرقدرت هسته‌ای که برآمده از برداشت‌های نخبگان سیاسی و فکری آن در مورد جایگاه روسیه در جهان و منطقه هستند، قرار دارد. به‌طوری‌که روسیه تلاش دارد، سیاستی در قبال ایران و مسائل آن اتخاذ کند که همسو با ایفای چنین نقش‌هایی باشد. در واقع، تصور نخبگان سیاسی روسیه از جایگاه و نقش این کشور و تاثیر تقویت یا تضعیف قدرت ایران بر کیفیت ایفای این نقش‌های روسیه به رویکرد دو وجهی آنها نسبت به ایران شکل داده است (Omeliicheva, 2012: 341-342).

نکته شایان توجه در بررسی رویکرد روسیه در مجامع بین‌المللی در مواجهه با پرونده هسته‌ای ایران به نوع تعریف منافع روسیه از سوی نخبگان سیاسی این کشور در موضوع

فعالیت‌های هسته‌ای ایران بازمی‌گردد که در راستای نقش‌ها و همچنین اولویت‌ها و نگرانی‌های این کشور در چارچوب نقش‌های کلان سیاست خارجی روسیه آن قرار دارد. به بیانی دیگر با توجه به برداشتی که نخبگان سیاسی روسیه از برنامه هسته‌ای ایران و اهداف و نیات تهران از تعقیب این برنامه دارند، رفتارها و مواضعی در جهت کسب منافع خود در جهت ایفای نقش‌های مطلوب برای روسیه اتخاذ کرده‌اند. لذا با توجه به شمای کلی سیاست خارجی روسیه در قبال ایران به اولویت‌ها و نگرانی‌های نخبگان حاکم در مسکو در موضوع هسته‌ای ایران و چگونگی مدیریت آن در قالب چند محور پرداخته خواهد شد.

الف) دکترین هسته‌ای روسیه و برنامه هسته‌ای ایران

روسیه به عنوان یک ابرقدرت هسته‌ای و همانند دیگر کشورهای دارای تسلیحات هسته‌ای مخالف دستیابی بازیگران دیگر به این نوع تسلیحات است. این امر در میان اوراسیایگرایان و با تکیه بر نقش ابرقدرت هسته‌ای به میزان بیشتری در سیاست خارجی روسیه مورد توجه قرار گرفته است (دکترین نظامی جدید روسیه، ۱۳۸۰). در این میان و با وجودی که مقامات جمهوری اسلامی ایران با استناد به فتوای رهبری و همچنین گزارش‌های بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بارها اعلام کرده‌اند در پی دستیابی به تسلیحات هسته‌ای نیستند، اما یکی از ابعاد رویکرد روسیه در قبال برنامه هسته‌ای ایران و به‌طور خاص در رسیدگی به موضوع در شورای امنیت و روند دستیابی به توافق نهایی هسته‌ای، جلوگیری از پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران به سمت دستیابی به تسلیحات هسته‌ای است. این موضوع یکی از دلایل همراهی روسیه در اعمال فشارها بر ایران از جمله همراهی در تصویب قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت و تاکید آن بر تداوم و افزایش بازرسی‌ها از تاسیسات ایران است. دلایل مختلفی در شکل‌گیری چنین دیدگاهی از سوی مسکو نقش داشته‌اند که به طور عمده به برداشتهای نخبگان سیاسی روسیه از وضعیت آینده و نوع بازیگری ایران در رابطه با نقش‌ها و جایگاه روسیه بازمی‌گردد؛ از دیدگاه مسکو دستیابی ایران به تسلیحات هسته‌ای توازن منطقه‌ای را تغییر می‌دهد و این امر در جهت منافع مسکو نیست. از دیدگاه روس‌ها، یک ایران هسته‌ای رفتار تهاجمی و مستقل‌تری در آسیای مرکزی و قفقاز خواهد داشت (The Military Doctrine of the Russian Federation, 2010).

صرف‌نظر از دکترین هسته‌ای روسیه، مواضع این کشور در مورد تحولات برنامه هسته‌ای ایران نیز نشان داده است که در جهت ممانعت از هسته‌ای شدن ایران، امکان تغییر در

مواضع روسیه در رابطه با این موضوع نیز وجود داشته است. اظهار نگرانی روس‌ها در مورد برنامه هسته‌ای ایران با رسانه‌ای شدن فعالیت تاسیسات فردو^۱، گویای این امر است که باعث تغییراتی در مواضع مسکو شد. به طوری که در سایت رسمی وزارت خارجه روسیه اعلام شد، «رسانه‌ای شدن فعالیت تاسیسات فردو موجب سلب اعتماد روسیه از ایران گردیده است». برخی واکنش‌ها از این موضوع در مسکو حتی تندتر از واشنگتن بوده است؛ زیرا همانطور که برخی واقع‌گرایان معتقد هستند، ممکن است امریکا با یک ایران هسته‌ای کنار بیاید؛ زیرا به اعتقاد آنها یک ایران هسته‌ای ممکن است، «مسئولانه‌تر» عمل کند و در نتیجه مسیر آشتی امریکا با ایران فراهم گردد. اما روسیه به سبب همسایگی با ایران و همچنین نگرانی از موضوع مسابقه تسلیحاتی هسته‌ای در مرزهای جنوبی خود یک ایران هسته‌ای را نمی‌پذیرد و مواضع آن نیز تاکنون در این راستا بوده است (کرمی، ۱۳۸۹: ۱۸۶-۱۸۷).

ب) افزایش احتمالی توانمندی ایران و جایگاه ابرقدرتی روسیه در منطقه

رهبان روسیه که تحت تاثیر عواملی نظیر میراث تاریخی، وضعیت جغرافیایی و هویت اوراسیاگرایی و متعاقب آن ترسیم نقش‌هایی برای سیاست خارجی این کشور خود را ابرقدرت مسلط در اوراسیا می‌دانند این نگرانی را دارند که در صورت افزایش توانمندی‌های ایران در صورت پیشرفت‌های گسترده در برنامه هسته‌ای و یا دسترسی احتمالی به تسلیحات هسته‌ای، ایران ظرفیت ظهور به عنوان یک رقیب برای روسیه در سطح منطقه را خواهد داشت. پس اولویت‌های روسیه در روابط دوجانبه و هم در مذاکرات چندجانبه، جلوگیری از افزایش قدرت ایران و حفظ برتری روسیه در منطقه به عنوان ابرقدرت هسته‌ای و ابرقدرت منطقه‌ای است. در همین راستا، روسیه در مراحل مختلف رسیدگی به برنامه هسته‌ای بر ضرورت بازرسی‌های گسترده از تاسیسات ایران تاکید داشته است. این رویکرد تنها محدود به مساله هسته‌ای نیست و مسکو نگران هرگونه افزایش قابل توجه قدرت ایران در حوزه‌های انرژی و یا نفوذ در آسیای مرکزی و قفقاز نیز می‌باشد (زرگری، ۱۳۹۳).

در موضوع هسته‌ای تداوم پیشرفت برنامه هسته‌ای تهران دو پیامد منفی برای روسیه خواهد داشت. در صورت دسترسی به سلاح هسته‌ای، ایران به رقیبی جدی برای روسیه در

^۱. Fardow

سطح منطقه تبدیل خواهد شد؛ در صورت تلاش غرب برای کنترل ایران با اقدامی نظامی نیز، مسکو با پیامدهایی نظیر بی‌ثباتی در مرزهای منطقه تحت نفوذ خود، نزدیک شدن آمریکا به مرزهای روسیه و تشدید خطر تروریسم مواجه می‌شود. لذا طی دو دهه اخیر روسیه همواره تلاش کرده است، رویکردی در قبال برنامه هسته‌ای ایران اتخاذ کند که ضمن ممانعت از هسته‌ای شدن ایران و کنترل هرگونه افزایش قدرت آن، زمینه برای حمله نظامی آمریکا علیه آن فراهم نگردد. به طوری که اتخاذ دو رویکرد همزمان کنترلی و تعدیلی اولویت نخست این کشور در موضوع هسته‌ای ایران بوده است (Kozhanov, 2012: 9).

ج) تعدیل تهدیدهای نظامی علیه ایران

یکی از اهداف اصلی روسیه در ایفای نقش فعالانه در شورای امنیت جلوگیری از وقوع هرگونه حمله نظامی احتمالی آمریکا به ایران و سقوط نظام فعلی حاکم بر آن است. به همین دلیل روس‌ها در همه مراحل مذاکرات هسته‌ای و حتی در شرایط همراهی کامل با اعمال تحریم، ضمن مخالفت با اقدام نظامی بر راه‌کارهای دیپلماتیک و حتی اعمال تحریم یا فشارهای سیاسی تاکید داشته‌اند. می‌توان گفت، وقوع هرگونه حمله احتمالی آمریکا علیه ایران کابوس پوتین است؛ زیرا این موضوع علاوه بر ایجاد بی‌ثباتی در مرزهای جنوبی روسیه و اختلال در ایفای نقش‌های مدنظر آن، آمریکا را از نقطه دیگری به مرزهای امنیتی روسیه نزدیک می‌کند و این موضوع سلطه روسیه در منطقه را با تهدیدهایی همراه خواهد کرد. علاوه بر این، چنین رویکردی باعث تقویت یک‌جانبه‌گرایی و هژمونی آمریکا خواهد شد و در تقابل با اصول مندرج در اسناد سیاست خارجی روسیه مانند چندجانبه‌گرایی قرار دارد. این موضوع یکی از مبانی رویکرد مسکو به پرونده هسته‌ای ایران و یکی از دلایل نقش‌آفرینی و تلاش آن برای دستیابی به راهکاری غیرنظامی در حل موضوع هسته‌ای ایران بوده است (Schwartz, 2015: 1-2).

د) نگرانی از نزدیکی ایران به غرب

روسیه در موضوعات مختلف مانند مقابله با استقرار سپر دفاع موشکی و به طور کلی مقابله با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا از همراهی و همکاری ایران استفاده کرده است. هر چند روسیه و ایران شرکای راهبردی نیستند ولی روسیه تمایل ندارد، ایران در نتیجه موفقیت مذاکرات هسته‌ای به اردوگاه غرب نزدیک شود؛ زیرا در این صورت آمریکا فرصت بیشتری برای نفوذ در مناطق

حاشیه‌ای روسیه خواهد داشت و این امر ایفای نقش‌های مدنظر رهبران مسکو را با اخلال مواجه خواهد کرد. بر همین اساس روسیه همواره تلاش داشته نقش میانی و میانجی را میان ایران و غرب بازی کرده و البته تعادل سیاست خارجی خود را نیز حفظ کند. این موضوع یکی از دلایل انگیزه جدی مسکو برای همکاری فنی هسته‌ای با ایران و تامین برخی نیازهای هسته‌ای و تسلیحاتی آن و همچنین ورود به مذاکرات هسته‌ای و ایفای نقش جدی در یک دهه گذشته بوده است. در همین راستا با ارائه طرح‌هایی مانند سال ۲۰۰۶ و ۲۰۱۱ در پی تداوم همکاری هسته‌ای با ایران بوده و تلاش خود را نیز برای نقش‌آفرینی در اجرای توافق هسته‌ای و تداوم همکاری‌های فنی هسته‌ای با ایران نشان داده است. نمود دیگر این محور در اقدامات مسکو برای افزایش تعاملات اقتصادی، فنی، سیاسی و امنیتی مشاهده می‌شود که ضمن نزدیکی به ایران و تامین برخی نیازهای آن در راستای نگرانی از بهبود روابط ایران با رقبای روسیه در پیشبرد منافع خود نیز می‌کوشد (Katz, 2015). با توجه به چنین نگرشی از سوی روسیه در ادامه به تشریح و بررسی مواضع روسیه در مجامع بین‌المللی در مواجهه با پرونده هسته‌ای ایران پرداخته می‌شود.

بین‌المللی شدن پرونده هسته‌ای ایران و مواضع و آراء روسیه در شورای امنیت

وضعیت اقتصادی و شرایط سیاسی روسیه به‌گونه‌ای است که نتوانسته است، حوزه‌های نفوذ سنتی خود را حفظ نماید؛ علاوه بر این طی دو دهه گذشته نیز شاهد گسترش حضور رقبای روسیه به قلمرو نفوذ سنتی آن در آسیای مرکزی و قفقاز بوده‌ایم. لذا با توجه به اهمیت جایگاه و نقش‌هایی مانند قدرت بزرگ جهانی و ابرقدرت منطقه‌ای برای روسیه، یکی از راه‌کارهای کرملین برای ایفای نقش در سطح جهانی و منطقه‌ای، تلاش برای ایفای نقش در رابطه با موضوعات و یا بازیگرانی است که غرب دارای نفوذ کمتری در آنها است. بحران‌های بین‌المللی نیز فرصتی برای روسیه مهیا می‌کند که بتواند خود را در جایگاهی برابر با امریکا و دیگر قدرت‌های جهانی قرار دهد. در این راستا، ایران و موضوع پرونده هسته‌ای آن به‌عنوان یک اختلاف و بحرانی بین‌المللی، فرصتی برای ایفای چنین نقشی برای روسیه در شورای امنیت و در تعامل با دیگر قدرت‌ها فراهم کرد. این کشور با توجه به سابقه همکاری فنی با ایران تلاش داشته است با وارد شدن در روند رسیدگی به پرونده هسته‌ای ایران در نشست‌های چندجانبه و نهادهای بین‌المللی، ضمن ایفای نقش و جهت‌دهی به پرونده در

جهت منافع و نگرانی‌های خود، مانع یک‌جانبه‌گرایی امریکا در برخورد با مساله گردد (Kozhanov, 2012: 5).

در ابتدای مطرح شدن برنامه هسته‌ای ایران به عنوان یک اختلاف بین‌المللی، روسیه به طور مستقیم در جریان مذاکرات و گفتگوها قرار نداشت. در این مرحله مذاکرات میان ایران از یک طرف و سه کشور اروپایی آلمان، انگلیس و فرانسه از طرف دیگر برگزار می‌شد و موضوع نیز هنوز به شورای امنیت ارجاع داده نشده بود. در این زمان روسیه به اشکال مختلف تلاش داشت نقش خود در این مساله را افزایش دهد. در این راستا مقامات روسیه بارها در مورد برنامه هسته‌ای ایران و راه حل رفع اختلافات به اظهار نظر پرداختند و البته ضمن تأکید بر حق غنی‌سازی ایران، مواضع مبهم و دوپهلویی اتخاذ می‌کردند (Putin, 2003).

در دوران آغازین بین‌المللی شدن پرونده هسته‌ای ایران، مقامات مسکو از یک طرف ضمن اشاره به نظارت بین‌المللی بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران، تأکید داشتند که فعالیت‌های هسته‌ای ایران و همچنین همکاری‌های روسیه با آن محدود به حوزه‌های صلح آمیز است و علاقه خود به تداوم همکاری‌ها را اعلام می‌کردند و از طرف دیگر ضمن تأخیر در اجرای تعهدات در قبال ایران، خود را شریک نگرانی غرب در برخورد با ایران و احتمال دستیابی آن به تسلیحات هسته‌ای معرفی می‌کرد؛ به‌گونه‌ای که روسیه ضمن تداوم همکاری با ایران با بخش عمده‌ای از بیانیه‌ها یا قطعنامه‌ها علیه آن همراهی می‌کرد (مجتهدزاده و رشیدی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۳).

بخش مهمی از عملکرد و سیاست روسیه در موضوع هسته‌ای ایران به تلاش آن برای ورود مستقیم به مذاکرات مرتبط است. پس از چندین دور مذاکرات میان ایران و سه کشور اروپایی و به‌رغم کسب برخی توافقات به دلایل مختلف این مذاکرات با شکست مواجه شد و اختلافات در مورد برنامه هسته‌ای ایران وارد مرحله دیگری شد. در این زمان با تغییر دولت در ایران و آغاز مجدد فعالیت‌های هسته‌ای، امریکا به رهبری جرج بوش تلاش داشت، ایران را به عنوان تهدیدی جهانی معرفی کند و در راستای این سیاست خصمانه در پی امنیتی کردن برنامه هسته‌ای ایران برآمد. این موضوع در سال ۲۰۰۶ و با ارجاع پرونده هسته‌ای ایران از شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شورای امنیت اجرایی شد. اما باید توجه داشت که امریکا به تنهایی توان این کار را نداشت و ارجاع پرونده ایران با موافقت خاموش روسیه و دیگر کشورها همراه بود. در واقع، روسیه در آژانس موضعی اتخاذ کرد که در همسویی با امنیتی شدن پرونده ایران و ارجاع آن به شورای امنیت قرار داشت. علت

همراهی روسیه با آمریکا در ارجاع پرونده به شورای امنیت نیز روشن بود؛ زیرا نه تنها نگرانی‌های احتمالی آنها در مورد نظامی شدن فعالیت‌های ایران رفع می‌شد، بلکه اولویت نخست روسیه افزایش نقش‌آفرینی در پرونده هسته‌ای ایران و مذاکرات مربوط به آن بود. تا این زمان روسیه جایگاه مستقیمی در مذاکرات نداشت و در آژانس و یا شورای حکام این نهاد با بیانیه‌ها و قطعنامه‌ها همراهی داشت. روسیه تنها یک عضو از اعضای شورای حکام بوده و تاثیرگذاری چندانی در جهت‌دهی به سرنوشت برنامه هسته‌ای ایران نداشت. اما ارجاع پرونده به شورای امنیت با توجه به عضویت دائمی روسیه در این شورا این فرصت را برای روس‌ها فراهم ساخت که ضمن حضور مستقیم در مذاکرات از موضوع مذاکرات هسته‌ای به عنوان ابزاری برای سیاست خارجی خود استفاده کرده و در کنار آن با حرکت طی نقش‌های مورد نظر خود در عرصه جهانی و منطقه‌ای (مانند قدرت بزرگ جهانی و ابرقدرت منطقه‌ای و هسته‌ای) با بازیگری موثر مانع بروز تهدیدهای احتمالی علیه خود شوند. در زمان بررسی پرونده ایران در آژانس و جلسات و قطعنامه‌های شورای حکام، روسیه همواره با در نظر داشتن خط قرمز خود یعنی ضرورت غیرنظامی ماندن برنامه هسته‌ای ایران، بر همکاری کامل تهران با آژانس و نظارت آژانس بر فعالیت‌های ایران تاکید داشت. (Pieper, 2014:18).

پس از ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت انتظار می‌رفت که روسیه به همراه چین در برابر اهداف آمریکا مقاومت کرده و مانع صدور قطعنامه‌های احتمالی علیه ایران شوند. اما این امر به دلایلی که به آن اشاره خواهد شد، صورت نگرفت. روسیه پس از ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت در سال ۲۰۰۶ تلاش داشته است، تمایزی میان همکاری‌های فنائری خود با ایران و ابعاد دیگر - مورد اتهام - فعالیت‌های هسته‌ای ایران قائل شود (Pieper, 2014:31).

رویکرد روسیه نسبت به پرونده هسته‌ای ایران در شورای امنیت نیز بسیار مهم و قابل توجه می‌باشد؛ زیرا گویای رویکرد آن به ایران و دیدگاه مسکو نسبت به هرگونه افزایش قدرت ایران و یا تضعیف گسترده آن است. روسیه به طور فعالانه و با در نظر داشتن منافع خود به نقش‌آفرینی بیشتر در این حوزه پرداخت. از سال ۲۰۰۶ یعنی زمان ورود مستقیم روسیه به روند رسیدگی به پرونده هسته‌ای ایران این کشور همواره رویکرد صریح، روشن و ثابتی نداشته است و با توجه به شرایط محیط بین‌المللی و منافع خود، رفتارهای متفاوتی در پیش گرفته و یا در راستای این منافع، واکنش‌های مختلفی به تداوم و پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران اتخاذ کرده است. در این روند روسیه به‌طور همزمان در پی این امر بوده است

که ضمن حفظ روابط و همکاری‌های خود با ایران به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی خاورمیانه، خطوط قرمز خود در حوزه هسته‌ای را نیز حفظ کرده و در اعمال فشارها بر ایران در این راستا، موضعی همسو با غرب اتخاذ کند (Гришин, 2016).

طی دوران بررسی پرونده ایران در شورای امنیت، یکی از راهبردهای روسیه برای ایفای نقش در این موضوع ارائه طرح‌های پیشنهادی با هدف حل موضوع در جهت منافع خود بوده است. با توجه به اهمیت میزان و چگونگی غنی‌سازی اورانیوم در اختلافات میان ایران و گروه ۵+۱، روسیه طرحی با محوریت ادامه غنی‌سازی ایران در خاک روسیه ارائه کرد. روسیه در دوران آغازین تصویب تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران برای پایان دادن به این بحران طرح پیشنهادی «غنی‌سازی اورانیوم در خاک روسیه» در قالب یک «شرکت سهامی ایران و روسیه» را اعلام کردند. از دید روس‌ها این طرح می‌توانست راه را برای خروج از تشدید اختلافات هموار کند. اما ایران پیشنهاد پوتین و دولت روسیه را نپذیرفت و این امر نارضایتی روس‌ها را در پی داشت. روسیه گمان نمی‌کرد در شرایطی که با هدف تعلیق غنی‌سازی، صدور قطعنامه‌های تحریمی علیه ایران محاصره تنگ‌تر شده بود، ایران طرح غنی‌سازی سوخت در خاک روسیه را رد کند؛ اما از آنجا که این طرح منافع مدنظر رهبران ایران را تامین نمی‌کرد، مورد پذیرش تهران قرار نگرفت و البته در مواضع بعدی روسیه در شورای امنیت علیه ایران نیز تاثیرگذار شد (کیانی، ۱۳۸۷: ۳۵۷).

در ادامه با توجه به اهمیت اقدامات شورای امنیت در سرنوشت برنامه هسته‌ای ایران و جایگاه روسیه در این شورا، به اقدامات اصلی این شورا در واکنش به برنامه هسته‌ای ایران پرداخته می‌شود و مواضع روسیه نیز به‌عنوان یکی از اعضای دائمی شورای امنیت بیان خواهد شد. هر چند شورای امنیت قطعنامه‌ها، بیانیه‌ها و مواضع متعددی در مورد برنامه هسته‌ای ایران از سال ۲۰۰۶ تا سال ۲۰۱۵ اتخاذ کرده است، اما صدور قطعنامه شش‌گانه از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ به‌عنوان مهم‌ترین اقدامات شورای امنیت در رسیدگی به پرونده هسته‌ای ایران در این نوشتار مورد بررسی قرار می‌گیرند. پس از سال ۲۰۱۰ نیز شورا اقدامات دیگری در ارتباط با برنامه هسته‌ای ایران اتخاذ کرد، اما مواضع آن به طور عمده تایید قطعنامه‌های پیشین و تاکید بر ضرورت اجرای آنها بوده است. اما اقدام مهم دیگر شورای امنیت در این موضوع، صدور قطعنامه ۲۲۳۱ در سال ۲۰۱۵ پس از کسب توافق هسته‌ای بود که در قسمت پایانی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

پس از پاسخ منفی و مبسوط ایران به بسته پیشنهادی طرف مقابل در مذاکرات و سپس افتتاح مجموعه آب سنگین اراک، شورای امنیت در تاریخ ۹ مرداد ۱۳۸۵ (۳۱ ژوئیه ۲۰۰۶) قطعنامه ۱۶۹۶ را با هدف تعلیق و ابراز نگرانی بابت ازسرگیری فعالیت‌های غنی‌سازی به تصویب رساند. این قطعنامه از ایران می‌خواهد که همه فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی و بازآوری از جمله تحقیق و توسعه را تعلیق کرده تا توسط آژانس مورد راستی‌آزمایی قرار گیرند. این قطعنامه بر اساس ماده ۴۰ فصل هفت منشور سازمان ملل تصویب شده است که حاوی معیارهای تنبیهی یا تحریمی نیست، اما تهدید می‌کند که اقدامات دیگری تحت بند ۴۱ فصل هفت منشور سازمان ملل متحد را اتخاذ می‌کند. روسیه از تصویب این قطعنامه علیه ایران حمایت کرد؛ زیرا محور اصلی این قطعنامه یعنی درخواست برای تعلیق و همکاری و نظارت آژانس از اولویت‌های مسکو در این رابطه بود. (UN Security Council Resolution 1696, July 31, 2006).

قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت در تاریخ ۲ دی ۱۳۸۵ (۲۳ دسامبر ۲۰۰۶) با لحنی شدیدتر و گنجاندن تحریم‌های جدید به دلیل پیروی نکردن ایران از مفاد قطعنامه پیشین و برای وادار کردن ایران به پایان دادن غنی‌سازی اورانیوم با رأی هر ۱۵ کشور حاضر در شورای امنیت از جمله روسیه و به اجماع به تصویب رسید. این قطعنامه خواستار این بود که ایران فوراً اقدامات خواسته شده از سوی آژانس از جمله تعلیق غنی‌سازی را انجام دهد. در این چارچوب شورای امنیت تاکید می‌کند که ایران باید همه فعالیت‌های بازآوری و غنی‌سازی مانند تحقیق و توسعه و همچنین ساخت رآکتور تحقیقاتی آب سنگین را تعلیق کند؛ همچنین محدودیت‌هایی برای انتقال کالا و خدمات با مصرف دوگانه، مسافرت افراد مرتبط با مساله هسته‌ای ایران و آموزش آنها اعمال می‌کند. در پایان نیز بار دیگر تهدید می‌کند در صورت عدم پیروی ایران، اقدامات شدیدتری از سوی شورا اتخاذ خواهد شد. این قطعنامه نیز با رای موافق نماینده روسیه و همکاری آن با طرفین غربی به تصویب رسید (UN Security Council Resolution 1737, Dec. 23, 2006).

قطعنامه ۱۷۴۷ شورای امنیت در تاریخ ۴ فروردین ۱۳۸۶ (۲۴ آوریل ۲۰۰۷) در نتیجه اوج‌گیری تنش‌ها بین ایران و شورای امنیت با پیشنهاد گروه ۵+۱ و با اجماع هر پانزده عضو شورای امنیت به تصویب رسید. شورا با تصویب این قطعنامه دایره تحریم‌ها علیه ایران را گسترده‌تر کرد. بر پایه این قطعنامه چند تن از مقامات و شرکت‌های ایرانی تحریم شدند؛ بخش دیگر این قطعنامه ممنوعیت تامین، فروش و انتقال تسلیحات و مواد

در پیوند با آن به ایران است. هر چند این قطعنامه محدودیت‌های تسلیحاتی علیه ایران اعمال کرد، اما مسکو با وجود همکاری‌های تسلیحاتی با تهران در ادامه همکاری با غرب و در راستای نگرانی‌های خود در مورد نظام عدم اشاعه به این قطعنامه رای مثبت داد (UN Security Council Resolution 1747, Mar. 24, 2007).

قطعنامه ۱۸۰۳ شورای امنیت در تاریخ ۱۱ اسفند ۱۳۸۶ (۳ مارس ۲۰۰۸) با وجود استقبال گروه ۵+۱ از رفع ابهام‌های اخیر در گزارش مدیر کل آژانس درباره همکاری ایران با رای مثبت ۱۴ عضو و رأی ممتنع اندونزی تصویب شد. این قطعنامه علاوه بر تاکید بر ممنوعیت‌های پیشین، خواستار توجه همه دولت‌ها به جلوگیری از تماس موسسات مالی با بانک‌های ایرانی به‌ویژه صادرات، ملی و بازرسی دولت‌ها از محموله‌های هواپیماها و خطوط کشتیرانی برای جلوگیری از ورود و خروج اقلام ممنوعه در این قطعنامه یا قطعنامه ۱۷۳۷ یا ۱۷۴۷ است. در پایان بر عزم گروه ۵+۱ در حل مساله از طریق دیپلماتیک تاکید دارد. روسیه همسویی کاملی با غرب در تصویب این قطعنامه داشت (UN Security Council Resolution 1803, Mar. 3, 2008).

قطعنامه ۱۸۳۵ شورای امنیت در تاریخ ۶ مهر ۱۳۸۷ (۲۷ سپتامبر ۲۰۰۸) در حالی با اجماع به تصویب رسید که شورا بار دیگر بر ضرورت تعهد به پیمان منع گسترش تسلیحات هسته‌ای^۱ اشاره می‌کند و بر اجرای مواد قطعنامه‌های پیشین و درخواست‌های شورای حکام تاکید دارد؛ این قطعنامه هر چند دارای نکته تحریمی جدیدی نبود با رای مثبت روسیه همراه شد (UN Security Council Resolution 1835, Sep. 27, 2008).

قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت در تاریخ ۱۹ خرداد ۱۳۸۹ (۹ ژوئن ۲۰۱۰) به‌عنوان مهم‌ترین و شدیدترین قطعنامه علیه ایران با ابراز نارضایتی از عدم پیروی تهران از مفاد قطعنامه‌های پیشین در مورد برنامه‌های هسته‌ای و نظامی خود با ۱۲ رای مثبت و با حمایت روسیه، دو رای منفی برزیل و ترکیه و غیبت لبنان به تصویب رسید. تقاضای نخست شورا در این قطعنامه این است که ایران باید در سریع‌ترین زمان ممکن پیمان جامع منع آزمایش سلاح‌های هسته‌ای را امضا کند و همچنین با اجرای پروتکل الحاقی، تمام فعالیت‌های هسته‌ای خود را تعلیق نماید. این قطعنامه سرمایه‌گذاری توسط ایران در فعالیت‌های تجاری مرتبط با برنامه‌های هسته‌ای در کشورهای دیگر را ممنوع می‌کند. شورا همچنین در یک

^۱. NPT

اقدام جدید از دولت‌ها می‌خواهد تا از افتتاح شعبه توسط بانک‌های ایرانی، سرمایه‌گذاری مشترک جدید یا ایجاد روابط مشترک جلوگیری کنند. علاوه بر این، شرکت‌های دخیل در فعالیت‌های هسته‌ای یا موشک بالستیک و مرتبط با سپاه پاسداران و نیز متعلق به خطوط کشتیرانی به لیست تحریم اضافه شدند. بخش دیگر این قطعنامه به ابراز نارضایتی از فعالیت‌های ایران در تاسیسات قم بدون اطلاع‌رسانی کافی با آژانس تاکید دارد. این قطعنامه تحریم‌های شدید هسته‌ای، تسلیحاتی، مالی و بانکی علیه ایران اعمال کرد. این قطعنامه برخلاف برخی پیش‌بینی‌ها و به‌رغم شدت آن، با رای مثبت روسیه همراه شد (UN Security Council Resolution 1929, June 9, 2010).

شایان ذکر است شورای امنیت سازمان ملل از سال ۲۰۱۰ تا زمان کسب توافق هسته‌ای و صدور قطعنامه ۲۲۳۱ پس از کسب توافق هسته‌ای در سال ۲۰۱۵، قطعنامه‌های دیگری نیز تصویب کرده است که عمدتاً در مورد اجرای این قطعنامه‌های شش‌گانه و یا نظارت بر فعالیت‌های ایران بوده‌اند. اما مساله قابل توجه به مواضع روسیه در قبال این قطعنامه‌ها بازمی‌گردد که برخلاف پیش‌بینی‌ها با رای مثبت روسیه مورد تصویب قرار گرفتند. علت اتخاذ چنین موضعی از سوی روسیه در شورای امنیت در بررسی پرونده هسته‌ای ایران در قسمت بعدی تشریح خواهد شد؛ اما توجه به این نکته ضروری است که مجموعه‌ای از عوامل باعث جهت‌دهی به منافع سیاست خارجی روسیه در راستای تصویب این تحریم‌ها به‌رغم تداوم نسبی همکاری هسته‌ای با ایران - با وجود تغییر قابل ملاحظه در سطح و سرعت همکاری‌ها شده بود. لذا می‌توان بیان داشت با توجه به این مساله که منافع ملی راهنمای سیاست خارجی روسیه در پرونده هسته‌ای ایران بوده است، ضروری است که در ارزیابی رویکردهای این کشور به این موضوع، موضع آن را در رسیدگی به پرونده هسته‌ای ایران و یا مذاکرات مربوط به آن در قالب کلی سیاست خارجی این کشور و نقش‌های مدنظر رهبران آن ارزیابی کرد؛ زیرا تنها در این صورت است که منافع و اولویت‌های سیاست خارجی روسیه در رابطه با موضوع هسته‌ای ایران روشن خواهد شد و رفتارها و مواضع آن نیز در دیگر موضوعات مرتبط با ایران در آینده قابل فهم و قابل پیش‌بینی می‌شود (مولایی، ۱۳۹۳).

ارزیابی مواضع و رویکرد روسیه در موضوع تحریم‌ها

نخبگان دستگاه سیاست خارجی روسیه تلاش داشته‌اند از موضوع مذاکرات هسته‌ای ایران به عنوان یکی از موضوعات سیاست خارجی خود که با مسائل دیگر نیز در پیوند بوده است، بیشترین منفعت را کسب نمایند و به نحو بهتری نقش‌های مورد نظر خود را اجرایی کنند. در این راستا در سال‌های اخیر از این موضوع به عنوان ابزاری جهت تعامل، تقابل و یا چانه‌زنی با غرب حتی در رابطه با دیگر موضوعات و مسائل استفاده کرده‌اند و ضمن تداوم همکاری هسته‌ای خود با ایران، همراهی نسبی با غرب در تصویب تحریم‌ها داشته‌اند. به همین دلیل برخی تحلیلگران رویکرد مسکو به پرونده هسته‌ای ایران را با تاکید بر نقش عنصر بین‌المللی یا به‌عنوان «یک کارت بازی» در تعامل با غرب تحلیل کرده‌اند؛ در حالی که این تحلیل تنها بخشی از علل تاثیرگذار بر رویکرد مسکو بوده است و علل دیگری نیز برای این بخش از الگوی رفتاری روسیه نسبت به پرونده هسته‌ای تاثیرگذار بوده‌اند؛ زیرا به‌رغم مواضع روشن ایران در بیان صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای کشورمان، برخی از انگیزه‌های روس‌ها در همراهی با تحریم‌ها در شورای امنیت در نگرانی‌های این کشور از برنامه هسته‌ای ایران ریشه داشته است.

نگرش روسیه در مورد تحریم‌ها علیه ایران در شورای امنیت و به‌طور خاص علیه برنامه هسته‌ای دوپهلوی و مبهم بوده است؛ زیرا مسکو از یک طرف در مواضع اعلامی خود مخالف تحریم یک‌جانبه ایران بوده و برنامه هسته‌ای ایران را صلح‌آمیز و در چارچوب معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای اعلام کرده است؛ از طرف دیگر همراهی کاملی در قطعنامه‌های شش‌گانه شورای امنیت علیه ایران (قطعنامه‌های شماره ۱۶۹۶، ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳، ۱۸۳۵ و ۱۹۲۹) در ایجاد زمینه برای اعمال تحریم‌های یک‌جانبه و چندجانبه علیه تهران داشته است. همچنین در راستای اجرای این قطعنامه‌ها، روسیه و نهادهای مختلف آن مانند بانک‌ها و نهادهای مالی، تحریم‌هایی علیه ایران در سپتامبر سال ۲۰۱۰ اجرا کرده‌اند (Kozhanov, 2012:2). از سال ۲۰۰۶ مسکو از قطعنامه‌های تدوین شده در شورای امنیت سازمان ملل متحد در رابطه با اعمال فشار بر ایران و ضرورت اجرای دستورات سازمان ملل و آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای از سوی ایران پشتیبانی کرده است. این اسناد طیف گسترده‌ای از تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران را دربرمی‌گیرند. علاوه بر این، مدودیف رئیس‌جمهور وقت روسیه با استناد به قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت سازمان ملل

متحد در تاریخ ۹ ژوئن ۲۰۱۰ و به بهانه اجرایی آن، دستور منع فروش سامانه‌های موشکی اس-۳۰۰ به تهران را صادر کرد که نشان از همراهی کامل مسکو با تحریم‌های شورای امنیت علیه تهران داشت (Ivanov, 2014: 11-13).

در ارزیابی چرایی مواضع و رفتارهای روسیه در شورای امنیت در واکنش به تداوم برنامه هسته‌ای تهران، عوامل و علل مختلفی ارائه شده است. در وهله نخست باید به شرایط حاکم بر فضای بین‌المللی اشاره داشت؛ زیرا رفتارهای روسیه نیز به‌عنوان یک کارگزار همانند دیگر بازیگران از محیط و ساختار بین‌الملل تاثیرپذیر بوده است. مشارکت مسکو در همراهی با تصویب تحریم‌ها به انگیزه روسیه در نشان دادن تصویر دیگری از خود در جامعه جهانی، به عنوان بازیگر همسو با جامعه جهانی بازمی‌گردد. در این زمان آمریکا توانسته بود با ارائه تصویری تهدیدگونه از ایران، کشورمان را به عنوان تهدیدی جهانی معرفی کند و در این زمینه اجماعی نسبی در میان اعضای شورای امنیت نیز ایجاد کرده بود. لذا رهبران روسیه با توجه به انگیزه‌های دیگر فرصت را مغتنم شمرده و تلاش داشتند با عدم مقاومت و همراهی با دیگر اعضای شورای امنیت تصویر بهتری از خود ارائه کرده و روسیه را به عنوان کشوری همسو با دیگر اعضای مهم جامعه بین‌المللی معرفی نمایند. ضمن اینکه در صورت وتوی قطعنامه‌های تحریمی علیه ایران از سوی غرب متهم به نادیده انگاشتن پیمان منع گسترش تسلیحات هسته‌ای شده و تحت فشار سیاسی غرب قرار می‌گرفت (Mousavian, 2012: 162-165).

عامل دوم در ارزیابی مواضع روسیه در مورد تحریم‌های مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران به نقش عنصر بین‌الملل در سیاست خارجی این کشور در کنار افول گفتمان هویتی اوراسیاگرایی در دوران مدویدف بازمی‌گردد. هر چند روسیه در سال ۲۰۰۶ و در دوران پوتین نیز همسویی با غرب در تصویب تحریم‌ها علیه برنامه هسته‌ای ایران را آغاز کرده بود، اما قطعنامه‌های دوره پوتین بیشتر جنبه توصیه‌ای داشته و تحریم‌های جدی و اقدامات شدید علیه برنامه هسته‌ای تهران اتخاذ نکردند، اما با به‌قدرت رسیدن مدویدف و مجموعه‌ای از روندها نظیر گسترش تعاملات با آمریکا، افول اوراسیاگرایی و تعهد آمریکا به روسیه مبنی بر عدم استقرار سیستم دفاع موشکی جدید در اروپا در صورت همراهی مسکو با تحریم‌ها علیه تهران، منجر به همراهی کامل مسکو با واشنگتن در افزایش فشارها و تصویب تحریم‌های جدیدتر شد. هر چند این عامل نیز در راستای اصول کلی سیاست خارجی روسیه و نقش‌های مدنظر آن مانند حفظ

جایگاه ابرقدرتی در منطقه اوراسیا قابل تحلیل است، اما تاثیرگذاری عامل بین‌المللی در شکل‌دهی به مواضع و رویکرد روسیه را نیز بازگو می‌کند (Белоглазов, 2016).

علت سوم رای مثبت روسیه به قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران به برداشت‌های نخبگان سیاسی روسیه از نیت و اهداف تهران و در نگرانی‌های روسیه از برنامه هسته‌ای ایران ریشه دارد. در این دوران و با آغاز روند افزایش سطح غنی‌سازی اورانیوم از سوی ایران با وجود اعلام مقامات ارشد کشورمان مبنی بر صلح‌آمیز بودن اهداف هسته‌ای خود، روسیه از پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران نگران بود و منافع خود را در توقف و یا کاستن از سرعت پیشرفت آن تعریف می‌کرد. در واقع، برداشت منفی روسیه از اهداف و نیت ایران در گسترش برنامه هسته‌ای باعث شکل‌دهی به مواضع منفی آن علیه تهران و همراهی با فشارها علیه آن شد. در میان نخبگان سیاسی روس این انگاره مورد اجماع قرار داشت که در صورت بروز انحراف در برنامه هسته‌ای ایران و حرکت آن به سمت تسلیحات هسته‌ای، منافع و اصول کلان سیاست خارجی این کشور با تهدید مواجه می‌شد؛ زیرا هسته‌ای شدن احتمالی ایران منافع و نقش‌های هسته‌ای و منطقه‌ای روسیه را تهدید می‌کرد. لذا برای رفع نگرانی‌ها از آینده برنامه هسته‌ای تهران، به سمت همسویی با دیگر بازیگران برای متوقف کردن پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران برآمد (Гришин, 2016).

عوامل دیگری نیز در این رابطه به‌خصوص از سوی روس‌ها مطرح شده‌اند. یکی از این عوامل واکنش مسکو به رد طرح پیشنهادی خود برای انتقال سوخت و پسماند از سوی ایران برای حل اختلافات هسته‌ای است. البته این علت تنها به آخرین و مهم‌ترین قطعنامه در رابطه با تحریم ایران مرتبط است. در این زمان، عدم پذیرش طرح روسی از سوی ایران، همراهی بیشتر روس‌ها با غرب در شورای امنیت علیه ایران و تصویب قطعنامه شدیدتر را به همراه داشت (Mousavian, 2012: 162-165).

با توجه به مطالب فوق می‌توان بیان داشت، عواملی مختلفی مانند ساختار و محیط بین‌المللی از جمله فضای متشنج علیه ایران، تاثیرگذاری عنصر غرب، تحولات داخلی در روسیه، کیفیت رفتار ایران و برداشت‌های مسکو از اهداف احتمالی تهران در تعقیب برنامه هسته‌ای در کنار وجود این انگاره که یک ایران هسته‌ای تهدیدی جدی برای روسیه خواهد بود در رویکرد و مواضع روسیه در شورای امنیت و در روند همراهی با قطعنامه‌ها علیه ایران نقش داشته‌اند؛ اما برای اجتناب از تقلیل‌گرایی در تحلیل و تبیین مواضع روسیه در شورای

امنیت و محدود نشدن به نقش یکی از عوامل نظیر تعامل با امریکا، منافع اقتصادی، نگرانی‌های امنیتی و غیره باید با در نظر داشتن نقش همه عوامل این موضوع را در چارچوب کلان سیاست خارجی روسیه ارزیابی کرد. روسیه با تصویب تحریم‌ها علیه ایران هدفی مانند متوقف ساختن پیشرفت‌های برنامه هسته‌ای ایران را تعقیب می‌کرد؛ چرا که نگران تبدیل شدن ایران به یک قدرت هسته‌ای و افزایش قدرت و توانمندی‌های ایران به عنوان همسایه جنوبی خود بود. در این زمان، مسکو با رویکردی عملگرایانه فرصت را مغتنم شمرد و ضمن بهره‌برداری از فضای متشنج بین‌المللی علیه ایران، تلاش غرب برای اعمال فشار و تحریم ایران به منظور متوقف کردن برنامه هسته‌ای آن را تایید کرد. البته باید اشاره داشت که مسکو در تایید تحریم‌ها اهداف دیگر غرب مانند تضعیف نظام سیاسی ایران یا سقوط آن را به هیچ وجه پیگیری نکرده است؛ زیرا روس‌ها هر چند نگران افزایش قدرت ایران بوده‌اند ولی به خوبی می‌دانند هر گونه بی‌ثباتی در ایران ممکن است با پیامدهای منفی و مهمی برای آنها به همراه باشد. از جمله این تهدیدات می‌توان به خلا قدرت در ایران و از بین رفتن سد ورود افراط‌گرایی و فعالیت گروه‌های تندرو به روسیه اشاره داشت (Pieper, 2014: 21).

با در نظر داشتن نکته فوق، یعنی هدف متفاوت روسیه با غرب در تصویب تحریم‌های هسته‌ای علیه ایران در کنار توجه به انگیزه‌های تجاری مسکو برای همکاری با ایران، زمینه برای فهم و تبیین سیاست کنونی روسیه در مورد ضرورت رفع برخی تحریم‌ها علیه تهران و همراهی آن در کسب توافق هسته‌ای و همچنین با صدور قطعنامه ۲۲۳۱ فراهم می‌شود. با این وجود باید به دو نکته در مورد دیدگاه کنونی روسیه در مورد تحریم‌ها علیه برنامه هسته‌ای تهران اشاره داشت. در درجه نخست روس‌ها معتقد هستند، تحریم‌ها در ممانعت از توسعه برنامه هسته‌ای ایران تاثیرگذار بوده است؛ به طوری که تاحدودی زمینه را برای حرکت به سمت توافق هسته‌ای و رفع نگرانی‌های روسیه از برنامه هسته‌ای ایران مهیا کرد. دوم، هر چند تحریم‌ها مانع بهبود روابط ایران با غرب شدند و این امر یکی از اصول و الگوهای کلان سیاست خارجی روسیه در قبال ایران بوده است، اما در دوران کنونی و کاهش تعاملات روسیه با غرب، مسکو نیازمند بازار گسترده ایران و همکاری اقتصادی با تهران و در نتیجه رفع تحریم‌ها است (Zargari, 2016).

مذاکرات نهایی، کسب توافق هسته‌ای و قطعنامه ۲۲۳۱

پس از مجموعه‌ای از روندها و تحولات نظیر اجرایی شدن کامل قطعنامه‌های شورای امنیت، تغییر دولت در ایران و آغاز دور جدید از مذاکرات، امیدها نسبت به حل اختلافات در مورد برنامه هسته‌ای ایران افزایش یافت. در دوران جدید، ضمن حفظ پرونده هسته‌ای ایران در شورای امنیت، پنج عضو دائمی این شورا به همراه آلمان مذاکرات با ایران را پیگیری می‌کردند. در این شرایط، وضعیت برای روسیه تاحدودی متفاوت و پیچیده بود؛ زیرا از یک طرف به اهداف خود در همراهی با اعمال تحریم‌ها علیه ایران از جمله ممانعت از قدرت‌یابی احتمالی آن، فشار و همچنین تشویق تهران به ازسرگیری مذاکرات و ممانعت از اتخاذ اقدام نظامی یک‌جانبه غرب علیه ایران با بهره‌برداری از ظرفیت تعقیب موضوع در شورای امنیت دست یافته بود و تداوم چنین منافعی را در حل نهایی موضوع از طریق دیپلماسی می‌پنداشت. از طرف دیگر این نگرانی نیز وجود داشت که کسب توافق میان ایران و گروه ۵+۱ باعث همکاری ایران در حوزه‌های دیگر با آمریکا گشته و زمینه غرب‌گرایی ایران را فراهم کند. در چنین شرایطی روسیه تلاش داشت با ایفای نقش فعالانه در مذاکرات، سرنوشت موضوع را در همسویی با منافع و نقش‌های خود جهت‌دهی کند؛ همچنان‌که در همه مراحل دو سال پایانی مذاکرات بر محورهایی نظیر ضرورت حل موضوع با روش دیپلماسی و رویکرد چندجانبه، تاکید بر همکاری گسترده ایران با آژانس و راستی‌آزمایی‌ها، توجه بر حق ایران برای ادامه برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای به منظور تداوم همکاری میان تهران و مسکو و لزوم پایبندی به پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای تاکید داشت. چنین موضعی در جریان مذاکرات و همچنین در نشست‌های شورای امنیت از سوی نمایندگان روسیه همواره تکرار می‌شد (Trenin, 2015).

با وجود گمانه‌زنی‌هایی در مورد احتمال ایفای نقش غیرسازنده از سوی روسیه این کشور در ماه‌های پایانی مذاکرات منجر به توافق هسته‌ای و در دور جدید گفتگوها قبل از کسب توافق نهایی هسته‌ای در وین در ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵ (۲۳ تیر ۱۳۹۴)، با اتخاذ برخی مواضع، بر روند مذاکرات تاثیر مثبت داشته و به روند کسب توافق کمک نمود. به‌خصوص با اتخاذ برخی اقدامات نظیر کسب توافقات دوجانبه با تهران در حوزه‌های هسته‌ای و انرژی مانند توافق اولیه برای ساخت نیروگاه‌های جدید و توافق‌نامه تبادل نفتی میان مسکو و تهران، ضمن تقویت قدرت چانه‌زنی تهران در مذاکرات پایانی، برخی نگرانی‌های ایران را نیز

رفع کرد؛ هر چند هدف نهایی مسکو در این رابطه، تعقیب منافع بیشتر و پررنگ کردن نقش خود بود (Baev, 2015). در تحلیل این رویکرد روسیه در مراحل پایانی مذاکرات و همکاری در کسب توافق نهایی، انگیزه‌ها و اهداف متعددی مدنظر رهبران این کشور در راستای حل اختلافات و کسب توافق قرار داشته است. در وهله نخست، کسب توافق هسته‌ای اولویت‌ها و نگرانی‌های امنیتی و راهبردی روسیه در مورد برنامه هسته‌ای ایران را رفع می‌کرد؛ زیرا با نظارت آژانس بر فعالیت‌های ایران سطح و حجم پیشرفت برنامه هسته‌ای تهران محدود شده و تحت کنترل قرار می‌گرفت؛ در این شرایط تهدید احتمالی هسته‌ای شدن ایران برطرف می‌شد. در درجه دوم با کسب این توافق، بهانه برای اقدام یک‌جانبه نظامی علیه تهران از سوی آمریکا در مرزهای جنوبی روسیه از بین می‌رفت. علاوه بر این مسائل امنیتی و راهبردی در صورت رفع تحریم‌ها روسیه می‌توانست از بازار تسلیحاتی ایران در وضعیت امنیتی خاورمیانه بهره‌بردار. ضمن اینکه رفع تحریم‌ها ظرفیت همکاری اقتصادی با ایران را برای روسیه افزایش می‌داد. انگیزه سوم روسیه در همکاری برای کسب توافق به تلاش این کشور برای همکاری با ایران و نزدیکی به آن برای اجتناب از انزوای سیاسی و اقتصادی بعد از تشدید تنش‌های مسکو با غرب بود (Trenin, 2015).

علاوه بر اتخاذ رویکرد فعالانه و نسبتاً همکاری‌جویانه روسیه در مذاکرات دو سال پایانی در روند کسب توافق در قالب گروه ۵+۱ و همچنین در نشست‌های شورای امنیت، همکاری با دیگر اعضای این گروه در صدور قطعنامه مهم دیگر در شورا در روزهای بعد از توافق هسته‌ای، اقدام مهم دیگر روسیه در رابطه با پرونده هسته‌ای ایران در شورای امنیت به‌شمار می‌رود. در ۲۹ تیر ۱۳۹۴ (۲۰ ژوئیه ۲۰۱۵) حدود یک هفته پس از کسب توافق هسته‌ای روسیه به همراه دیگر اعضای دائمی و غیردائمی شورای امنیت قطعنامه ۲۲۳۱ را تصویب کردند که به مثابه تایید توافق هسته‌ای از سوی این شورا محسوب می‌شد. این قطعنامه که پس از ۱۲ سال گفتگو و صدور قطعنامه‌های متعدد و در نهایت دسترسی به توافق هسته‌ای صادر شد، ابطال‌کننده قطعنامه‌های پیشین شورای امنیت در مورد برنامه هسته‌ای ایران بود و با گذشت سه ماه از تصویب آن و با عمل ایران به تعهدات خود اجرایی شد. قطعنامه ۲۲۳۱ همانند سایر قطعنامه‌ها دارای بخش‌های مقدماتی و اجرایی است که همه کشورهای عضو سازمان ملل را به اجرای توافق هسته‌ای موظف می‌کند. ضمن اینکه محورهای دیگری نظیر رفع تحریم‌ها و محدودیت‌های قطعنامه‌های پیشین علیه

تهران و ضرورت همکاری ایران با آژانس در حوزه‌های راستی‌آزمایی را نیز شامل می‌شود (UN Security Council Resolution 2231, 2015). همانطور که در مورد توافق هسته‌ای بیان شد، چنین محورهایی در آخرین قطعنامه شورای امنیت در مورد پرونده هسته‌ای ایران نیز با اولویت‌ها و محورهای مسکو در روند رسیدگی به پرونده هسته‌ای ایران در مذاکرات مختلف و نشست‌های شورای امنیت همخوانی و همسویی دارد. زیرا ضمن حل این اختلاف در شورای با ایفای نقش روسیه، نگرانی‌های اصلی این کشور نظیر برداشت نادرست از احتمال نظامی شدن برنامه هسته‌ای ایران و یا اقدام نظامی یک‌جانبه علیه آن را نیز برطرف کرد.

نتیجه‌گیری

به‌منظور اجتناب از تقلیل‌گرایی و برای فهم و تبیین سیاست خارجی روسیه در قبال برنامه هسته‌ای ایران و به‌خصوص ارزیابی مواضع آن در شورای امنیت سازمان ملل در رسیدگی به پرونده هسته‌ای ایران باید به تحلیل و تبیین موضوع در قالب کلی سیاست خارجی روسیه پرداخت. به‌طوری که در ارزیابی تحرکات روسیه در شورای امنیت، موضوع هسته‌ای ایران را در پیوند با دیگر موضوعات سیاست خارجی روسیه نگریست. به‌طوری که به‌منظور فهم علل و عوامل شکل‌دهنده به رویکرد روسیه در همراهی با تصویب تحریم‌ها علیه ایران باید به ارتباط این مساله با موضوعاتی نظیر دکترین هسته‌ای روسیه، تعامل و رقابت روسیه با آمریکا و دیگر قدرت‌های جهانی، اولویت‌های منطقه‌ای سیاست خارجی این کشور، جایگاه ایران در سیاست خارجی روسیه و در ارتباط با نقش‌های برتر سیاست خارجی این کشور مانند جایگاه قدرت بزرگ جهانی، ابرقدرت هسته‌ای و ابرقدرت منطقه‌ای برای سیاست خارجی روسیه و در نهایت تاثیر و پیامدهای سرنوشت برنامه هسته‌ای ایران در رابطه با هر یک از این موضوعات با در نظر داشتن نوع برداشت و تصورات نخبگان روسی از نیات و رفتارهای ایران در حوزه هسته‌ای توجه داشت.

همچنان‌که در تشریح مواضع روسیه در شورای امنیت و همچنین تبیین دلایل همراهی این کشور در اعمال تحریم‌ها بیان شد با تکیه به برداشت‌های روسیه از اهداف و پیامدهای برنامه هسته‌ای ایران، تلاش برای کنترل پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران و به‌طور کلی کنترل افزایش قدرت احتمالی ایران و همچنین ضرورت تعدیل فشارهای غرب علیه تهران دو محور

اصلی رویکرد کلی روسیه در قبال پرونده هسته‌ای ایران در مذاکرات متعدد و در مجامع بین‌المللی مانند شورای امنیت بوده‌اند. در این راستا، نخبگان سیاست خارجی روسیه که متأثر از گفتمان هویتی اوراسیاگرایی و با دیدگاهی عمل‌گرایانه نقش‌های جهانی و منطقه‌ای برای سیاست خارجی این کشور در نظر داشته‌اند با پیگیری رفتارها و الگوهای مانند همکاری فنی هسته‌ای با انگیزه‌های اقتصادی و سیاسی، تاکید بر نظارت بین‌المللی بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران و ارائه طرح‌هایی به‌منظور کنترل پیشرفت و افزایش قدرت هسته‌ای تهران، همراهی در اعمال تحریم‌ها برای اقناع تهران در پذیرش محدودیت‌های هسته‌ای در کنار مخالفت با اقدام نظامی برای تخریب تاسیسات هسته‌ای را محور مواضع خود قرار داده‌اند. بر این اساس، نخبگان سیاست خارجی روسیه در ابتدا با استفاده از راهکار سیاسی و با رویکردی چندجانبه برای حل اختلافات در پی پیگیری و حل موضوع هسته‌ای ایران در قالب شورای امنیت بوده‌اند و در مرحله بعد، تلاش داشته‌اند سرنوشت برنامه هسته‌ای ایران را همسو با منافع خود مانند ممانعت از هسته‌ای شدن ایران، کنترل پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران، ممانعت از اقدام یک‌جانبه آمریکا علیه ایران، تشویق تهران به همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی جهت‌دهی کنند. لذا می‌توان گفت، مواضعی مانند تصویب تحریم‌ها و همراهی در اجرای آنها از سوی روسیه در برداشت نخبگان حاکم بر این کشور در جهت فشار بر تهران برای توقف پیشرفت‌های هسته‌ای و اقناع آمریکا به‌منظور ممانعت از اقدام نظامی صورت گرفته‌اند. هر چند عوامل دیگری مانند استفاده از این موضوع به‌عنوان ابزاری جهت مدیریت روابط با آمریکا نیز در این روند تأثیرگذار بوده‌اند.

منابع و مأخذ

- برچیل، اسکات و دیگران (۱۳۹۱)، *نظریه‌های روابط بین‌الملل*، ترجمه حمیرا مشیرزاده و روح‌الله طالبی، تهران، انتشارات میزان.
- جعفری، علی اکبر و رویا میرجلالی (۱۳۸۹) "مولفه‌های سیاست خارجی روسیه در همکاری هسته‌ای با ایران"، *فصلنامه علوم سیاسی*، سال سیزدهم، شماره ۵۱.
- زرگری، هادی (۱۳۹۳)، "رویکرد و نگاه روسیه در مذاکرات هسته‌ای با جمهوری اسلامی ایران"، دفتر سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، گزارش راهبردی، شماره مسلسل ۱۴۰۰۰، مرداد ۱۳۹۳.
- شجاع، مرتضی و دیگران (۱۳۹۲)، *سیاست روسیه در دریای خزر در دوره اوراسیاگرایان*، تهران، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
- کرمی، جهانگیر (۱۳۸۹)، "ایران و روسیه: متحد شرقی یا تهدید جنوبی؟"، *فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی*، سال دوم، شماره سوم.
- کولایی، الهه (۱۳۸۵) "روابط ایران و روسیه، تداوم و تغییر"، *ایراس*، سال اول، شماره اول.
- کیانی، داوود (۱۳۸۷)، "آسیب شناسی روابط ایران و روسیه" در: *روابط ایران و روسیه*، به کوشش مهدی سنایی و جهانگیر کرمی، تهران، ایراس.
- مجتهدزاده، پیروز و احمد رشیدی‌نژاد (۱۳۹۰)، "تحلیل ژئوپلیتیک سیاست خارجی روسیه در رابطه با برنامه اتمی ایران (۲۰۰۰-۲۰۰۸)"، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال هفتم، شماره دوم.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۶)، *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تهران، سمت.
- مولایی، یوسف (۱۳۹۳)، "ظرفیت‌های دیپلماتیک در نیویورک"، ۱۳۹۳/۰۶/۲۶، قابل دسترسی در: www.irna.ir/fa/81315595
- "دکترین نظامی جدید روسیه"، *ماهنامه نگاه*، شماره ۲۰، سال ۱۳۸۰.
- Baev, Pavel K. (2015), "The China Factor in Russian Support for the Iran Deal", *Brookings*, Available at: <http://www.brookings.edu/blogs/order-from-chaos/posts/2015/07/21-china-russia-support-for-iran-deal-baev>, Accessed on: 21 July 2015.
- Borozna, Angela (2008), "Russia's Friend- U.S.'s Enemy: Russia Foreign Policy toward Iran", presented at: *The International Studies Association*, March 2008.
- Ivanov, I.S. and Others (2014), "Modern Russian- Iranian Relations: Challenges and Opportunities", *Russian International Affairs Council (RIAC)*, Working Paper, Moscow.

- Katz, Mark (2002), "Russian- Iranian Relation in Putin Era", *Demokratizatsiya*, George Washington University, Available at: www2.gwu.edu/ieresgwu/assets/docs/, Accessed on: 21 July 2015.
- Katz, Mark N. (2015), "Russian Anxieties about the Iranian Nuclear Accord", *Lobe log Foreign Policy*, Available at: <http://lobelog.com/russian-anxieties-about-the-iranian-nuclear-accord/>, Accessed on: 25 Aug 2015.
- Kozhanov, Nikolay (2012), "Russia's Relations with Iran: Dialogue without Commitments", *The Washington Institute for Near East Policy*, Policy Focus 120, June 2012, Available at: www.washingtoninstitute.org, Accessed on: 25 Aug 2015.
- Mousavian, Hossein (2012), *Iranian Nuclear Crisis: A Memoir*, Washington D. C., Carnegie Endowment for International Peace.
- Omelicheva, Mariya (2012), "Russian Foreign Policy toward Iran: A Critical Geopolitics perspective", *Journal of Balkan and Near Eastern Studies*.
- Pieper, Moritz (2014), "Chinese, Russian, and Turkish Policies in the Iranian Nuclear Dossier: Between Resistance to Hegemony and Hegemonic Accommodation", *Asian Journal of Peace building*, Vol. 2 No. 1.
- Putin, Vladimir (2003), "Interview of American TV Channels with Russian President V. Putin", *Bulletin of the Press Service of the Russian Federation*, September 24.
- Schwartz, Paul N. (2015), "What the Iran Deal Means for Russia", *Center for Strategic and International Studies*, Russian Defense and High Technology Project, Available at: <http://csis.org/publication/what-iran-deal-means-russia>, Accessed on: 25 March 2015.
- Trenin, Dmitri and Alexey Malashenko (2010), *Iran: A View From Moscow*, Washington, Carnegie Endowment for International peace, pp. 1-44, Available at: www.carnegieendowment.org, Accessed on: 25 Aug 2015.
- Trenin, Dmitri (2015), "Russia's Missile Moves Explained: the S- 300 Challenge", *National Interest*, Available at: www.nationalinterest.org/feature/russia-missile-moves-explained-the-s-300-challenge-12635, Accessed on: 25 April 2015 .
- Zargari, Hadi (2016), "Iran's Foreign Policy towards Russia", *International Conference on Islamic Studies in Modern Russia and the CIS: Achievements, Challenges and Prospect*, The Academy of Sciences of the Republic of Tatarstan, Russia, Kazan Institute of Eurasian and International Studies, Accessed on: 25 Aug 2015.
- The Military Doctrine of the Russian Federation (2010), Ministry of Foreign Affairs Russian Federation, Available at: www.mid.ru/ns-osndoc.nsf/osnidd, Accessed on: 25 Feb. 2010.- The Ministry of Foreign Affairs of Russian Federation (2016), Available at: http://www.mid.ru/en/foreign_policy/official_documents.

- Белоглазов, Альберт Владиславович (2016), *“Интервью с Альбертом Белоглазовым”*, Преподавателем Кафедры Международных Отношений и Зарубежного Регионоведения в Институте Международных Отношений, Истории и Востоковедия Казанского Федерального Университете, 22/06/2016.
- Гришин, Яков Яковлевич (2016), *“Интервью с Яковом Гришиным”*, Преподавателем Кафедры Международных Отношений и Зарубежного Регионоведения в Институте Международных Отношений, Истории и Востоковедия Казанского Федерального Университете, 20/06/2016.
Sep. 17, 2016
- UN Security Council Resolution 1696, July 31, 2006, www.un.org.
- UN Security Council Resolution 1737, Dec. 23, 2006, www.un.org.
- UN Security Council Resolution 1747, Mar. 24, 2007, www.un.org.
- UN Security Council Resolution 1803, Mar. 3, 2008, www.un.org.
- UN Security Council Resolution 1835, Sep. 27, 2008, www.un.org.
- UN Security Council Resolution 1929, June 9, 2010, www.un.org.
- UN Security Council Resolution 2231, July 20, 2015, www.un.org.